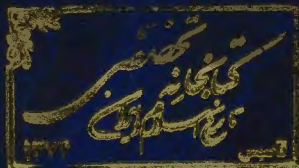
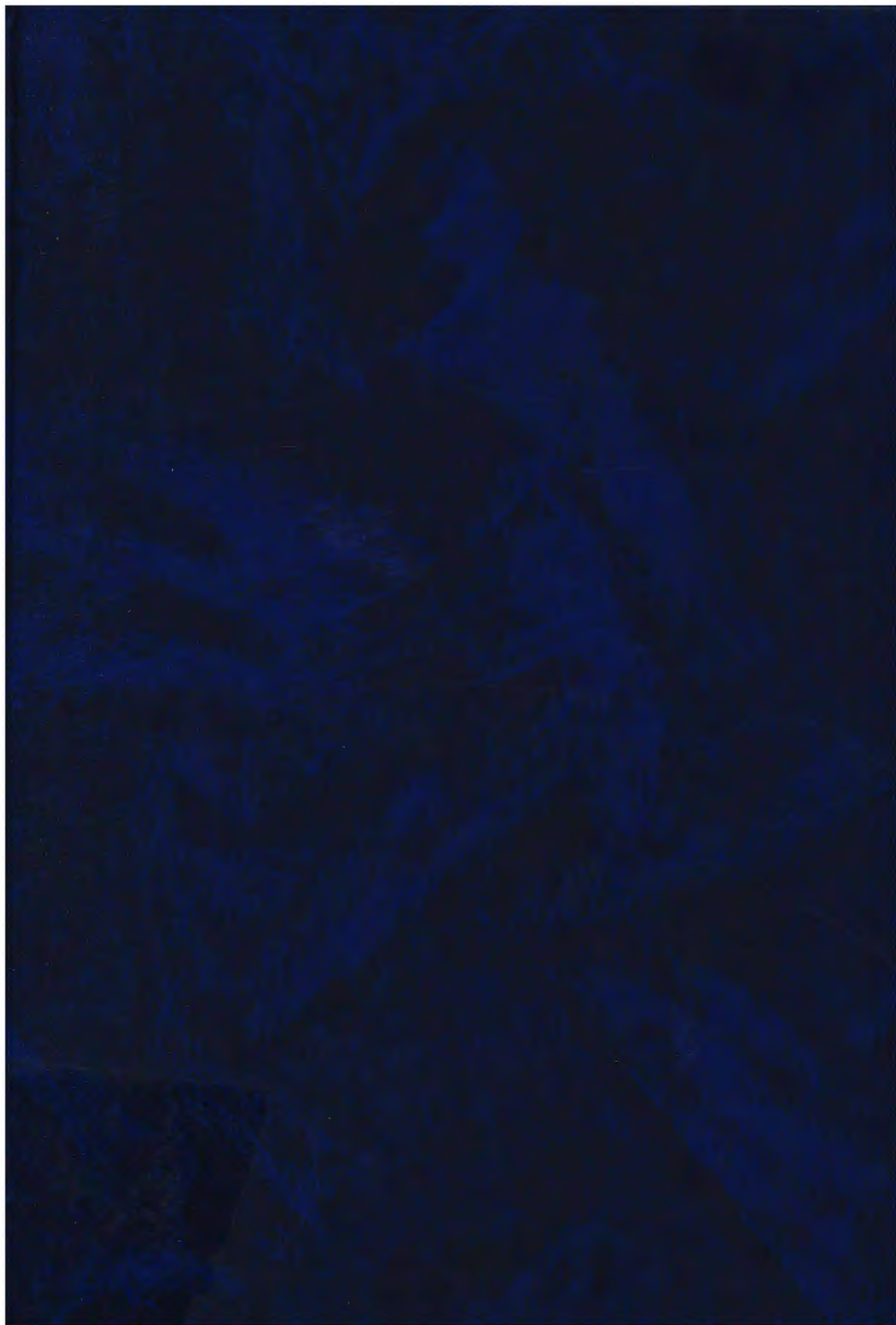


حقوق زنان در مکتب سوسیالیستی





## فهرست مطالب

\*\*\*\*\*

<u>صفحه</u>	<u>عنوان</u>
۱-۲	۱- پیشگفتار
۳-۴	۲- روز جهانی زنان کارگر
۵-۷	۳- روز جهانی زنان کارگر
۸-۱۴	۴- تاریخچه مختصر هشتم مارس روز جهانی زنان کارگر
۱۵-۲۰	۵- میان زن و شوهر
۲۱-۲۷	۶- درباره برخی از جنبه‌های تکامل روابط خانواده
	۷- توضیحات

## پیشگفتار

این شماره زنان و مبارزات رهائی بخش طبقه کارگر شما ملد و بخشش است: هشتم مارس روز جهانی زنان کارگر، خانواده در جامعه سوسیالیستی. هشتم مارس روز جهانی زنان کارگر روزی تاریخی برای پرولتاریای مبارزه جواست. برای درك اهمیت این روز و در نتیجه ارج کافی نهادن به آن، آگاهی از مبدا و تاریخچه این روز ضرورت فراوان دارد. با در نظر گرفتن این مهم ما دست به تهیه این مختصر زدیم. امید که این کوشش گامی در جهت بهتر برگزار کردن این جشن تاریخی پرولتاریائی در آینده گردد. در بخش دوم، مطالبی درباره خانواده و روابط زن و مرد در جوامع سوسیالیستی طرح می شود.

در میان برخی از روشنفکران پیروی از فرهنگ فاسد و منحط بورژوازی، و آگاهانه یا ناآگاهانه جا زدن خصال لمین پرولتاریا ( لمینیسیم، فحشا بی بند واری، لاابالیگری، به کار گرفتن فرهنگ و اصطلاحات و فحشها و شوخیهای لمین پرولتاریائی ) به جای خصال اصیل و انقلابی پرولتاریا رایج است. این عده از روشنفکران را رفیق انقلابی شهید چریک فدائی خلق بیژن جزنی " لمین روشنفکر " می نامد ( ۹ بهمن تئوریک شماره ۶، صفحه ۱۸۸ ) . مراجعه به آثار کلاسیک مارکسیستی و پراتیک کشورهای سوسیالیستی تضاد این پندارهای لمینی را با خصال انقلابی پرولتاریائی به خوبی روشن می گرداند. لکن مبارزه با این پندارهای لمینی و سموم فرهنگ فاسد بورژوازی از طریق توسل به عرف و سنت، خرافات و افکار ارتجاعی پوسیده و ایده آلیستی ممکن نیست. این سنت های ارتجاعی که ریشه در جوامع ماقبل سرمایه داری دارند دیرزمانیست که زن ایرانی را در چنگال پلید خود سخت می فشارند و آنان را در موقعیتی بس حقیر و زیون قرار داده اند. سوسیالیسم علمی، مارکسیسم لنینیسیم انقلابی تنها سلاح انقلابی واقعی برای مبارزه با تمام زناالت های ریشه دار جوامع طبقاتی است.

ما اعتقاد داریم که آگاهی از بیماریها و آلودگی های جوامع طبقاتی  
و نیز تبلیغ و ترویج و آموزش فرهنگ اصیل پرولتاریائی کمک شایانی به  
روشن کردن اذهان زنان و مردانی که صدقانه قدم در راه خدمت به  
خلق گزاردند می نماید و نیز باعث می گردد که زنان بتوانند نقش خود  
را در تغییر جامعه به خوبی ایفا نمایند .

## روز جهانی زنان کارگر

سرمایه داری تساوی صوری را با نابرابری اقتصادی و متعاقباً "اجتماعی در هم میامیزد . این یکی از وجوه اصلی سرمایه داری است، وجهی که تعدا" بوسیله جامیان بورژوازی، لیبرالها، در پرده ابهام نگاهداشته شده و دموکراتها خرده بورژوا از درك آن عاجز مانده اند . این سیمای سرمایه داری، الزاما"، برای ما ضروری میسازد که در نبرد قاطعمان برای حصول برابری اقتصادی وجود این نابرابری کاپیتالیستی را بوضوح تصدیق کنیم و حتی در شرایط معینی، این تصدیق آشکار وجود نابرابری راپایه ای برای حکومت پرولتاریائی ( قانون اساسی شوروی ) قرار دهیم .

اما حتی در مورد این تساوی ظاهری ( برابری در مقابل ، " برابری " گرسنه و سیر ، " برابری " دارا و بی چیز ) نیز سرمایه داری نمیتواند ثابت قدم باشد . و یکی از زننده ترین تظاهرات این عدم ثبات، نابرابری زنان با مردان است. تساوی کامل زنان و مردان حتی در پیشرفته ترین کشورهای جمهوریخواه و دموکرات بورژوازی نیز برقرار نشده است.

اما از سوی دیگر، جمهوری شوروی روسیه، فوراً تمام آثار قانونی نابرابری زنان را بدون استثنا از میان برد و بلافاصله برابری کامل آنان را در مقابل قانون تامین کرد .

گفته میشود که بهترین ملاک سنجش سطح فرهنگ وضعیت قانونی زنان است. این کلمات قصار، دارای رگه ای از حقیقتی ژرف است. از این نظر، تنها دیکتاتوری پرولتاریا، تنها حکومت سوسیالیستی است که میتواند و توانسته است به والاترین سطح فرهنگی نائل شود .

انگیزه نوین، نیرومند و بی مانند در جنبش زنان کارگر بنا بر این باتاسیس و تحکیم اولین جمهوری شوروی و در ارتباط و علاوه بر آن با انترناسیونال کمونیستی وابستگی ناگزیری دارد .

از زمانیکه ذکری بمیان آمده است از آنهایی که مستقیم یا غیرمستقیم، در کل یا جز تحت ستم سرمایه داری بوده اند، این نیزبایستی گفته شود که سیستم شورائی، و تنها سیستم شورائی است که دموکراسی را تضمین

میکند . این بوضوح بوسیله موقعیت طبقه کارگر و دهقانان بی چیز نشان داده شده است . این آشکارا با موقعیت زنان عیان گردیده است . اما ، سیستم شورائی ، آخرین مبارزه قاطع برای برانداختن طبقات و برای برابری اقتصادی و اجتماعی است . دموکراسی ، حتی دموکراسی برای همه آنهایی که زیر ستم سرمایه داران بوده اند و از آنجمله جنس تحت ستم ، از نظر ما کافی نیست .

این وظیفه اصلی جنبش زنان کارگر است که نه فقط برای برابری تشریفاتی و ظاهری ، بلکه برای تساوی اقتصاد و اجتماعی زنان مبارزه کند . مسئله اصلی آنست که زنان در کار تولیدی اجتماعی شرکت داده شوند ، از " بردگی خانگی " رهایی یابند ، و باز انقیاد تحقیرکننده و حماقت آوران کنند ابدی در آشپزخانه و شیرخوارگاه آزاد گردند .

این يك مبارزه طولانی خواهد بود و يك نوسازی اساسی را ، هم در فن اجتماعی و هم در اخلاقیات می طلبد اما این مبارزه سرانجام با پیروزی کامل کمونیسم ، پایان خواهد پذیرفت .

چهارم مارس ۱۹۲۰ مجموعه آثار ، جلد ۳ .

ضمیمه " پراودا " ی شماره ۷،۵۲ مارس ۱۹۲۰

## روز جهانی زنان کارگر

مراد بلشویسم و انقلاب اکتبر روسیه جلب همان ستم دیده ترین افراد مردم در تحت رژیم سرمایه داری به سیاست است. آنان بوسیله سرمایه داران در حکومت سلطنتی و همچنین جمهوری دموکراتیک بورژوازی، ستم دیده، فریب خورده، و غارت شدند. تا زمانیکه مالکیت خصوصی بر زمین و کارخانه ها وجود داشت این ستم و این فریب و غارت ثمره کار مردم بوسیله سرمایه داران غیر قابل اجتناب بود.

جوهر بلشویسم و قدرت شوروی در نقاشی کذب و ریای دموکراسی بورژوازی و الفای مالکیت خصوصی بر زمین و کارخانه ها و تمرکز تمام قدرت دولتی در دست توده های کارگر و استثمار شده است. کارساختمان جامعه نوین وارد کردن این توده ها به سیاست است. کار آسانی نیست. توده ها توسط سرمایه داری ستم دیده و پایمال شده اند اما راه دیگری برای رهایی از بردگی مزدبری و انقیاد سرمایه داری وجود نداشته و نمیتواند وجود داشته باشد.

اما بدون جلب زنان به سیاست شما نمی توانید توده ها را به سیاست جلب کنید. زیرا نیمه مونث نسل بشری تحت رژیم سرمایه داری بطور مضاعف ستم میبرد. زنان کارگر و دهقان بوسیله سرمایه ستم می بینند اما بالاتر از همه حتی در دموکراتیک ترین جمهوری بورژوازی آنان اولاً از بعضی حقوق بدلیل نابرابری قانونی با مردان محرومند، ثانیاً، و این مسئله اصلی است، آنان در "انقیاد خانه" بوده و بصورت "بردگان - خانگی" باقی میمانند، زیرا کار پر زحمت و بسیار پست و کمر شکن و تحمیل کننده آشپزخانه و خانه انفرادی خانواده را متحمل میشوند.

هیچ حزب یا انقلابی در جهان هرگز رویای فرود آوردن چنین ضربه عمیقی را به ریشه های ستم و ظلمت زنیان مانند آنچه که شوروی و انقلاب بلشویکی انجام میدهد در سر نیبرورنده است.

اینجا در روسیه شوروی اثری از نابرابری در قوانین بین مردان و زنان باقی نمانده است. قدرت شوروی تمام نابرابری هایی را که در قوانین



زناشویی و خانواده نسبت به فرزندان وجود داشت و خصوصا "نفرت‌انگیز، فرومایه و ریاکارانه بود از میان برداشت. این تنها نخستین گام برای آزادی زن است. اما هیچیک از جمهوری‌های بورژوازی حتی دموکراتیکترین آنها هم جرات برداشتن این گام نخست را نیز نداشته است. دلیل این امر حرمت به "مالکیت خصوصی واجب الاحترام" است.

دومین و مهمترین گام الفای مالکیت خصوصی بر زمین و کارخانه‌ها است. این مسئله به تنهایی راه را برای آزادی کامل و واقعی زنان یعنی آزادی زن از "بردگی خانگی" از طریق انتقال خانه داری حقیر فردی به خدمات خانگی وسیع اجتماعی شده می‌گشاید.

این تحول سختی است، زیرا مستلزم تغییر شکل ریشه‌دارترین، کهنه‌ترین، محدودترین و سخت‌ترین "نظام" (اگر بخواهیم بی‌شرمی و توحش، بواقعیت نزدیکتر است) میباشد. اما تحول آغاز گردیده و حرکت شروع شده است. ما در راه نوینی قدم گذاشته‌ایم.

بنابراین در این روز جهانی زنان کارگر، مجالس بی‌شمار زنان کارگر در تمام کشورهای جهان به روسیه شوروی که برای اولین بار باین وظیفه بی‌مانند و بسیار سخت اما بزرگ، بطور کلی بزرگو حقیقتاً "آزاد کننده دست زده است درودها خواهند فرستاد. ندهای نیروبخشی از ما خواهند خواست که جسارت خود را در برابر واکنش بیرحمانه و غالباً "وحشیانه بورژوازی از دست ندهیم.

هر قدر که کشور بورژوازی "آزادتر" و "دموکراتیک‌تر" است طغیان گروههای سرمایه داران آن علیه انقلاب کارگران وحشیانه تر میباشد. جمهوری دموکراتیک ایالات متحده آمریکای شمالی نمونه این مسئله است. اما توده های کارگران بیدار شده‌اند. توده های خفته و خواب آلوده و بی‌تحرك در آمریکا و اروپا و حتی آسیای عقب افتاده بالاخره توسط جنگ امپریالیستی بهاخاسته‌اند.

سد در هر گوشه از جهان شکسته شده است.

هیچ چیز نمیتواند امواج آزادی خلق‌ها را از یوغ امپریالیسم و آزادی

مردان و زنان زحمتکش را از یوغ سرمایه متوقف سازد . این مسئله توسط دهها و صدها و میلیونها تن از زنان و مردان زحمتکش در شهروروستا به پیش میرود و به همین دلیل است که امر آزادی کار از یوغ سرمایه در سرتاسر جهان پیروز خواهد شد .

چهارم مارس ۱۹۲۱ مجموعه آثار، جلد ۳۲

ضمیمه " پراودا " ی شماره ۸، ۵۱ مارس ۱۹۲۱

## تاریخچه مختصر هشتم مارس روز جهانی زنان کارگر

روز هشتم مارس روز جلب و بسیج زنان به مبارزات سیاسی و به مبارزات طبقه کارگر است. روزی در جهت بیدار کردن وجدان سیاسی آنان، آگاهی و سازماندهی آنان و نیز روز همبستگی بین المللی زنان زحمتکش سراسر جهان در مبارزه برای دستیابی به اهداف مشترک زنان پرولتاریای جهان است.

مبدأ هشتم مارس روز بین المللی زنان کارگر تظاهرات و جلسات سخنرانی عظیمی است که زنان سوسیالیست و کارگر آمریکا در سال ۱۹۰۷ در سراسر آمریکا برپا کرده و خواستار حقوق سیاسی برای زنان کارگر گردیدند. در سال ۱۹۱۰ در دومین کنفرانس بین المللی زنان سوسیالیست در کینهاک کلاز تکین چهره درخشان سوسیال دموکراسی آلمان پیشنهاد برگزاری سالانه روز بین المللی زنان کارگر را به کنفرانس داد. بر این مبنای کنفرانس تصمیم گرفت که هر ساله در همه کشورهای زنان روز واحد ویژه ای را با شعار "حق رای زنان نیروهایمان را در مبارزه برای سوسیالیسم متحد می سازد" برگزار نمایند. در سال ۱۹۱۱ روز بین المللی زنان بلور رسمی از طرف انترناسیونال دوم پذیرفته شد.

انتخاب چنین شعاری توسط زنان سوسیالیست در آن زمان بعلت لزوم افزایش نیروهای کارگری در پارلمان بود. بدست آوردن حقوق و امتیازات و حق رای برای زنان کارگر به قدرت نیروهای کارگری در پارلمان می افزود. بنابراین مبارزه در راه بدست آوردن حق رای برای زنان کارگر از مبارزات پراهمیت سوسیال دموکراسی در آن زمان بود. خواست حق انتخاب کردن و انتخاب شدن برای زنان بعنوان حقی اجتماعی، که زن با استفاده از آن بتواند بعنوان یک شخصیت تاثیر و نفوذ ضروری را در امور محلی، قانونی و دولتی داشته باشد و اصولاً "جنبش آزادی زنان و مبارزه برای آزادی و تساوی زنان با مردان با آغاز شیوه تولید سرمایه داری مطرح گردید. با تحولاتی که سرمایه داری در زندگی اقتصادی و اجتماعی بوجود آورد کار حرفه ای زنان آغاز شد. با فعالیت های اقتصادی

نوبین زنان در جامعه خانواده دگرگون گردید . رشد صنعت بزرگ ، چهارچوب اقتصادی تولید خود مصرفی خانواده را متلاشی کرد . خانواده از شکل جماعت اقتصادی تولید کنندگان تبدیل به هسته‌های اخلاقی گردید . این تغییر پایه و اساس آزادی اقتصادی زن را از خانه و خانواده فراهم کرد . زن بجای آنکه بعنوان کارگر تولیدی در خانه کار کند وارد فعالیت جدید اقتصادی در جامعه و بازار اجتماعی شد .

با دگرگونی اقتصادی زندگی زن واستقلال اقتصادی او اندیشه و احساس او نیز دستخوش دگرگونی شدند . با فعالیت های سیاسی و آغاز تلاش برای بدست آوردن حق رای ، زن به دوران بلوغ سیاسی خویش پای گذاشت حق رای برای زن فقط بطور بسیار محدودی پیش از برقراری شیوه تولید سرمایه داری و بویژه دوران شکفتگی آن در برخی از کشورها وجود داشت . اما این حق زن حق شخصی و فردی او بعنوان يك زن نبود بلکه حقی بود که یا بعنوان نماینده خانوار و جماعت اقتصادی و یا بعنوان مالك و مالیات پرداز یعنی حق ویژه مالکیت به او تعلق میگرفت .

درخواست حق رای بعنوان حقی که حقانیت تاریخی دارد ، حقی که زن بعنوان يك شخصیت ، فردی از انسانی و انسانی بالغ آنرا دارا میگردد و محدود به مالکیت و طبقه خاصی نمیگردد با آغاز و شکفتگی شیوه تولید سرمایه داری طرح شد .

در آغاز رشد سرمایه داری که بورژوازی در عنفوان جوانی خود بود و سخن از آزادی عمومی ، برابری و برادری می گفت و برای برقراری اصول دموکراتیک مبارزه مینمود خواستار آزادی زنان بعنوان اصلی از اصول دموکراتیک نیز بود . اما بورژوازی با بدست گرفتن قدرت این اصل را نیز مانند سایر اصول دموکراتیک بدست فراموشی سپرد . از آن پس مبارزه برای تحقق خواست آزادی زنان همانند دیگر خواست های دموکراتیک بسه پرولتاریا واگذار گردید .

چگونگی طرح حق رای برای زنان بنا به موقعیت طبقاتی زنان اهدا خاصی را دنبال مینمود . زنان بورژوا برای تحکیم و بهبود موقعیت اقتصادی خود میکوشیدند اما موقعیت برتر مردان مانعی در این راه بود .

در زمینه های مختلف امکانات تحصیلی، شغلی و غیره آنان از موقعیت نابرابر خود با مردان در رنج بودند حق رای وسیله ای بود برای از میان برداشتن این موانع و نابرابریها، آنان با حق رای میتوانند قوانینی را که مانعی در راه فعالیت های آنان بود و ضامن برتری مردان میگردد از میان بردارند. آنان خواستار اجرای اصلاحات در همان چهارچوب نظام سرمایه داری بودند و خواست آنان در حقیقت تحکیم این نظام بود نه از میان برداشتن آن، بدین جهت زنان بورژوا در مبارزه برای حق رای طرفدار و علمدار حق رای محدود بودند، یعنی حق رای بزنانی تعلق میگرفت که به نحوی از انحاء یا مالک چیزی بودند یا تحصیلات دانشگاهی داشتند. محدودیت حق رای نه تنها اگریت عظیم زنانی را که فاقد دارائی و مدارک دانشگاهی بودند از این حق محروم میکرد بلکه باعث میگردد که با دادن حق رای به زنان بورژوا، بورژوازی نیرومندتر شده و موقعیت زنان پرولتاریا مانند کل این طبقه بیشتر تضعیف گردد.

در حقیقت حق رای محدود حقیقی طبقاتی و متعلق به زنان طبقه بورژوا بود. اهمیت احقاق حق رای برای زنان کارگر از آن جهت بود که میلیونها زن پرولتاریا که با رشد سرمایه داری در رشته های صنایع بکار پرداختند میتوانند از این حق، بعنوان وسیله ای برای نفوذ اجتماعی و سیاسی و حفظ منافع اقتصادی خود و نیز بصورت حربه ای در مبارزه علیه طبقه سرمایه دار استثمارگر استفاده کنند. لکن هدف نهائی زنان پرولتاریا انقلاب پرولتسری و برچیدن سلطه بورژوازی، استقرار دیکتاتوری پرولتاریا لغو مالکیت خصوصی، ایجاد جامعه کمونیستی و کسب آزادی کامل و تساوی واقعی با مردان بود.

اولین مراسم روز جهانی زنان کارگر در ۱۹ مارس ۱۹۱۱ برگزار گردید این تاریخ بدین سبب انتخاب شد که اهمیت تاریخی برای پرولتاریای آلمان داشت در روز نوزدهم مارس ۱۸۴۸، شاه پروس که نیروی عظیم خلق را غیر قابل مقاومت یافت و برابر خطر شورش کارگران و در مقابل خواسته های آنان سرفروید آورد. او در ضمن تمام وعده هایی که هرگز جامه عمل نپوشیدند وعده حق رای به زنان را نیز داد.

پس از ژانویه ۱۹۱۱ در آلمان و اطریش برای برگزاری روز زنان کوشش هایی به عمل آمده بود يك هفته پیش از روز زنان مجله "رای برای زنان" در آلمان و مجله "روز زنان" در اطریش منتشر شدند. مقالات متعددی مانند "زنان و پالمان" "رابطه زن خانه دار با سیاست چیست؟" و غیره نوشته شدند که هر يك به تحلیل مسئله تساوی زنان با مردان در حکومت و جامعه پرداخته و در مورد اهمیت حق رای برای زنان سخن گفتند. اولین مراسم روز بین المللی زنان در سال ۱۹۱۱ با موفقیت بی نظییری در آلمان، اطریش، دانمارک و سوئیس برگزار شد. آلمان و اطریش در این روز تبدیل بدریائی خروشان شدند. جلسات در همه جا حتی در شهرهای کوچک و در روستاها نیز تشکیل شدند. سالن های سفیرانسی از جمعیت پر شدند. این اولین قدرت نمائی مبارزه جویانه زنان کارگر بود. در اطریش در جریان تظاهرات بزرگ خیابانی که با شرکت ۳۰۰۰۰ نفر برگزار میشد پلیس سعی کرد که شمارهای تظاهرات کنندگان را از آنان بگیرد اما زنان کارگر مقاومت ورزیدند و سرانجام وساطت معاونین سوسیالیست پارلمان از خونریزی جلوگیری کرد.

در سال ۱۹۱۳ روز بین المللی زنان به هشتم مارس انتقال یافت و از پس این روز بعنوان روز جهانی زنان تثبیت شد.

زنان کارگر روس روز جهانی زنان کارگر را برای اولین بار در ۲۳ فوریه (۸ مارس) (۱) ۱۹۱۳ جشن گرفتند. این زمانی بود که اختناق تزاری حاکم بود. پرآودا روزنامه بلشویک ها به تبلیغ این روز پرداخته و در اوائل ژانویه ستون مخصوصی بنام "کار و زندگی زن کارگر" برای دادن اطلاعات در مورد جلسات و گردهم آئی های مختلف، تهیه مقدمات برگزاری روز زنان کارگر و مصوبات آن اختصاص داد. اولین روز جهانی زنان کارگر روس در سنت پیتربورگ و مسکو توجه بسیار زیادی را جلب کرد. پرآودا برای این روز شماره مخصوصی انتشار داد و به تمام زنان کارگر درود فرستاد و درودشان را به صفوف پروتاریهای مبارزه جو تهنیت گفت اقدام بلشویک هادر مورد کار بین زنان بقدری موفقیت آمیز بود که بلشویکها به پیشنهاد لنین تصمیم به انتشار روزنامه ای مخصوص برای زنان کارگر را گرفتند. این مجله

" زن کارگر " *Rabotnista* نامیده شد . این مجله نقش شگرفی در بسیج و جلب زنان به حزب بلشویک داشت . اولین شماره این مجله در روز جهانی زنان در سال ۱۹۱۴ انتشار یافت . در این سال بلشویکها با آمادگی بیشتری به استقبال این روز می رفتند . اما قبل از مراسم روز - - جهانی زنان کارگر ، زنان بلشویک مبلغ در کارخانه ها و اعضا هیئت تحریریه مجله " زن کارگر " به استثنای یک تن توسط پلیس تزاری دستگیر شدند ، اما با وجود این بلشویکها کوشش کردند که این مجله را به موقع انتشار دهند آنالیزاروا " *Anna Elizarova* " خواهر لنین و تنها عضو آزاد هیئت تحریریه به تنهایی اولین شماره " زن کارگر " را در روز هشتم مارس انتشار داد . شعار " مبارزه برای کسب حق برای زنان کارگر " طبیعتاً در روسیه دعوتی بود برای سرنگونی استبداد تزاری .

با آغاز جنگ جهانی امپریالیستی اول زنان سوسیالیست چسب در موافقت با نظر بلشویکها کوشش کردند که در سالهای ۱۹۱۵ و ۱۹۱۶ در همه جا هشتم مارس را تبدیل به تظاهرات زنان کارگر علیه جنگ بدانند . اما سوسیالیستهای خائن به منافع طبقه کارگر در آلمان و سایر کشورها مانع این کار گردیدند . در سال ۱۹۱۵ تظاهرات روز زنان تنها در نروژ برگزار شد .

✓ سال ۱۹۱۷ سال انقلاب کبیرا کبیر بود . گرسنگی و سرما صبر زنان کارگر و دهقان سرتاسر روسیه را در هم شکسته بود . در روز بین المللی زنان کارگر ، ۲۳ فوریه ( ۸ مارس ) بر حسب دعوت کمیته پتروگراد بلشویکها زنان کارگر به کوچه ها و خیابانها آمدند تا بر ضد گرسنگی ، جنگ و تزاریسم نمایش دهند کارگران بوسیله اقدام به اعتصاب همگانی در تمام پتروگراد از این نمایش زنان کارگر پشتیبانی کردند . اعتصاب سیاسی به تظاهرات سیاسی همگانی بر شد رژیم تزاری تبدیل گردید . " ( ۲ ) این روز ، روزی فراموش نشدنی در تاریخ روسیه است . انقلاب فوریه در این روز آغاز گردید . یک هفته بعد پراودا در مقاله ای تحت عنوان " روز بزرگ " چنین نوشت : " اولین روز انقلاب روز زنان روز بین المللی زنان کارگر است . افتخار فراوان بر زنان افتخار به این روز جهانی زنان اولین کسانی بودند که در روز خود به خیابانهای پتروگراد گام گذاردند . "

پهروزی انقلاب کبیر اکثر، و مبارزات پر خروش پرولتاریای دوران ساز  
بورژوازی هراسان را وادار کرد که نسبت ریج در کشورهای مختلف سرمایه -  
داری به زنان کارگر حق رای اعطاء کند .

امروزه در اغلب کشورهای وابسته نیز که بنا بر مصالح امپریالیست ها  
اصلاحاتی در جهت نابودی سیستم فئودالی و رشد سرمایه داری وابسته  
انجام گرفته است، بر حسب ضرورت و نیاز سیستم سرمایه داری وابسته به  
زنان نیز " حق رای " داده شده است.

↓ در کشور ما ایران در سال ۱۳۴۰ در جریان اجرای برنامه امپریالیستی  
معروف به " انقلاب سفید " که در جهت پایان دادن بر سلطه فئودالیسم  
و استقرار سیستم سرمایه داری کمپرادور بود " اصلاح قانون انتخابات یسا  
به اصطلاح آزادی زنان و اقدامات دیگر در این زمینه هم دقتاً در جهت  
منافع مستقیم امپریالیسم بود . قصد امپریالیسم این بود که نیروی کار ارزان تر  
زنان را که طبق سنت های فئودالی فاقد تحرک، مورد نیاز بورژوازی بود  
مورد بهره کشی قرار دهد . " ( ۳ ) روشن است که در شرایط دیکتاتوری  
فاشیستی که خلق فاقد هرگونه حقی است: حق رای برای زنان شوخی  
تلخی بیش نیست. از اصلاح قانون انتخابات فقط " خانم های " انگشت  
شماراشراف و وابسته به جناح های مختلف بورژوازی کمپرادور بهره مند  
شدند و به وزارت و نمایندگی مجلس و غیره رسیدند . آنان بهمیراه  
شاهزادگان درباری طمدار تبلیغات عوام فریبانه آزادی زن ایرانی در -  
محاقل بین العلی هستند . اگریت عظیم زنان ایرانی، زنان زحمتکش  
ایرانی نه تنها بهره ای از این اصلاحات نبرده و نمیرند بلکه در شرایط  
غیر انسانی کار هر چه بیشتر استثمار شده و به بردگی و مزدوری مشغولند  
آنان فرق در جهل، فقر، بدبختی، و قربانی سیستم سرمایه داری وابسته  
فرهنگ و سنت عقبمانده و ارتجاعی هستند و در معرض هزار و یک رذالت،  
جنایت و تجاوز می باشند .

وظیفه تمام نیروهای مترقی است که در روز جهانی زنان کارگر با  
توضیح موقعیت زنان زحمتکش و در راس آن زنان پرولتاریای ایران به  
افشای ماهیت رژیم فاشیستی شاه و ارتجاع بپردازند . و نیز به تجلیل



از زنان مبارز به ویژه زنان پیش‌آهنگ مسلح خلق پرداخته با شرح برنامه ها و اهداف انقلابی سازمانهای مسلح انقلابی بعنوان تنها نیروهای انقلابی و پیشرو واقعی خلق از هان جهانیان را روشن گردانند .

زنان پیش‌آهنگ مسلح خلق تنها سخنگویان واقعی زنان زحمتکش ایران‌اند. بگوئیم که روز جهانی زنان کارگر را به روز تجلیل از پیشاهنگان زنان پرولتاریای ایران و دست‌آورد های آنان و سازمانهای پیشرو انقلابی مسلح تبدیل سازیم .

## خانواده

### در جامعه سوسیالیستی

#### میان شوهر و زن

" در سال ۱۹۶۲، فدراسیون زنان ( چین )، مجموعه ای از چند داستان واقعی در شرح راههای اعمال روابط بین یک شوهر و زنش را منتشر کرد. این داستانها بیانگر نمونه های روشن و قاطع رفاقت انقلابی هستند و در ضمن، مقدمه کتاب ویژه این سوال را مطرح میکند که: " یک شوهر باید چه برداشتی از زنش داشته باشد؟ بمناسبت انتشار این کتاب، روزنامه ملی " یومیه خلق " **Renmin Ribao** " خلاصه این مقدمه را تجدید چاپ کرد که می خوانید. "

## يك شوهر چه ارزش تلقی از زنش باید داشته باشد ؟ (۴)

در يك جامعه سوسیالیستی ، عشق بین شوهر و زن ، بر پایه تشابه معتقدات سیاسی و بر بنیاد مبارزه مشترك در راه انقلاب بنا میشود . رابطه بین شوهر و زن قبل از همه ، يك رابطه رفیقانه است و احساسات فیما بین در ابتدا عوامل انقلابی هستند . بهمین دلیل ، يك شوهر باید از همسرش برداشت يك رفیق انقلابی را داشته باشد . این در چنان ارزش تلقی — افعكاس خواهد یافت که شخص همسر خود را بعنوان رفیق هم سلاح در نبرد مشترك سیاسی ، بعنوان خواهر ابقاتی ، کسی که همدوش او در کار تولید زحمت میشود و بعنوان یئعزمن که با هم در خانه میزیند ، بهم احترام و عشق میورزند ، بیكد یگر یاری میرسانند و یكد یتر را در ترقی بیشتر دلگرمی میبخشند ، بحساب آورد . بزبان عقیدتی و اخلاقی بگوئیم این معیار کمونیستی است که بوسیله آن يك انقلابی مسئله عشق و ، از دواج و خانواده را بررسی میکند . تنها با انطباق با این معیار است که شخص میتواند بدستی از عهده مشکلاتی که ممکن است در زندگی زن و شوهر پیدا شوند ، بر آید . . . . .

هر چند بنیان اقتصاد کهن ویران شده است . اما نفوذ افکار فئودالی و بورژوازی و نیروی عادت را که بوسیله جامعه کهنه بجا گذاشته شده — است نمیتوان يك شبه از میان برد . این عقاید و نیروی عادت ، هنوز هم بمیزانهای متفاوت ذهن تعدادی از مردم را تحت تاثیر خود دارد . آیا مردان چندی را ملاحظه نکرده ایم که در چند سال اول ازدواجشان ، همسرانشان را محبت باران کرده اند و پیمان بسته اند که تا زمان پیری با آنها خواهند ماند ؟ لیکن بعمرور زمان در سالهای بعدی زناشویی ، احساساتشان نسبت به زنانشان رو بسردی گرائیده است تا جائیکه آنچنان از همسرانشان خسته شده اند که پایان کار را در تراژدی طلاق یافته اند . و نیز آیا ندیده ایم که پاره ای از مردان ، در محیط کارشان ، با دیگران بمساوات رفتار کرده اند و وظایفشان را با جدیت تمام به انجام رسانده اند لیکن وقتی به خانه باز میگرددند قیافه " ارباب خانه " را بخود میگیرند و میگذارند زنشان همه کارهای

خانه را انجام دهد و در ضمنی که در اطراف پرسه میزنند منتظرند تا غذا آماده گردد و لباسها شسته و اطو کرده شوند. اگر زنان اند کسی غفلت ورزند یا نافرمانی کنند و مخالفت نشان دهند، آنها (شوهران) فکر خواهند کرد که فرور و احترام شوهر بودن جریحه دار شده است و بر این مبنی دعوی مفصلی را براه میاندازند.....

بایستی به این واقعیت توجه کنیم که بعضی مردان، در موارد بسیاری این تعادل را دارند که نظر خود برترینانه خود را نسبت بهمسرانشان زیر نقاب "محبت" بپوشانند. دستکم، بظاهر ممکن است به نظر آید که آنان به همسران جوانشان بسیار علاقمندند و از تمام راههای ممکن بخوبی از آنان مواظبت میکنند. معهذا، در ذهنشان، آنها بنسبت زنانشان را بصورت خواهران طبقاتی و رفقای انقلابی که همراه آنان کسار و مبارزه‌ای مشترک را به پیش میبرند، بحساب می آورند. آنها بیشتر، - زنانشان را، آنها برای خوشایند خودشان، بصورت شیعی ناز پرورد باز مایطک شخصی خود می بینند. بجای آنکه زنانشان را بمثابة همراهان انقلابی به بینند که بیگ یگری میسرانند و با هم در جستجوی بهبود زندگی مشترکشان هستند، آنها زنانشان را صرفاً "بصورت" تیماردارانی در نظر می آورند که مونس آنها و در خدمتشان هستند. هر چند در این مورد عشق شوهر نسبت به زنش نیز وجود داشته باشد ولی این نوع از عشق، آن عشق واقعی، آن عشق طبقاتی، عشق رفیقانه‌ای که بر بنیان اعتقاد سیاسی بنا شده باشد نیست. این نوع عشق، تحکیم شدنی نیست و دیری نمی پاید. اگر زن لطافت جوانی را از دست بدهد اگر در معرض این یا آن بیماری قرار، گیرد و بصورتی از نظر جسمی ناتوان شود، شوهر که دیگر زنش را خوشایند خویش نمی بیند و از موانست و خدماتش بهره مند نمی شود، بی اعتنا به رنجی که همسرش میبرد، ممکن است توجه اش را بزنان دیگر معطوف کند و منظور - مورد علاقه تازه‌ای بیابد. این انعکاسی از افکار بورژوازی بر مسئله زناشوئی و خانواده در دوران انتقالی است. این علت ریشه‌ای آن تراژدی‌تاسف - آوری است که برای بسیاری از شوهران و زنان و خانواده ها رخ داده است. اکنون، هر کسی برای دگرگون کردن (انقلابی کردن) اندیشه خویش

میکوشد . این بدان معنا است که در مقابله با انواع مشکلات فرد بایستد  
 را سخاانه به موضع ، نقطه نظر و روش پرولتاریائی تاسی جوید . این شاملی  
 طرز تلقی از هتق ، ازدواج و خانواده بر پایه اصول کمونیستی است .  
 دگرگونی طرز فکر مرد نه تنها در کسار بلکه در زندگی روزمره ، عشق ،  
 زناشویی و خانواده و میان زن و شوهر نیز باید خود را بنمایاند . این  
 بدان جهت است که وقتی مردی و زنی ، شوهر و زن میشوند این صرفاً  
 یک ماجرای شخصی در زندگی یک فرد نیست بلکه درست از روزی که آنها  
 ازدواج کردند هر دو مسئولیتهائی در مقابل جامعه دارند که در حین  
 آن ، هر دو همگام میروند ، کار میکنند ، میزیند و با هم فرزندانشان را  
 میپرورند و تربیت میکنند . حال اینکه مناسبات میان زن و شوهر خوب اداره  
 شوند یا بد نه تنها بر خوشبختی زندگی خانواده گی و بر رشد نسل  
 آیندگان بلکه با همان اهمیت نیز بر تکامل انقلاب سوسیالیستی و ساختمان  
 سوسیالیسم تاثیر خواهد داشت . این در انطباق با معیار اخلاق کمونیستی  
 است که شخص باید دید انقلابی نسبت به عشق ، ازدواج و خانواده پیدا  
 کند . این معیاری طلبد که شوهر هرگز نباید در پی باصطلاح " امیال  
 احساساتی " خود ، موضعی بی ثبات ، گستاخانه و غیر متعهد نسبت  
 به همسر و فرزندان خود اختیار کند .

قابل انکار نیست که جوانی و ظاهر زیبا در واقع عواملی هستند که زنان  
 و مردان را در ابتدا بیکدیگر جلب میکنند ، بدین دلیل که وقتی آدمی جوان  
 است از شکوفائی جسمانی و فکری او از بسیاری جهات ، چنان نیرومندی و  
 سرزندگی میترآود که تحسین برانگیز است . بالین وجود ، بشر موجودی  
 معقول است و لذا باید تشخیص دهد که گذشته از جاذبه طبیعی و جنس  
 توجه و نگرانی اساسی یک مرد و زن برای زناشویی باید در این باشد که  
 آیا با هم تفاهم و تشا به اعتقادهای سیاسی دارند یا نه ، بجای آنکه  
 جوانی و جلوه های آنها را تنها شرط گزینش همسر قرار دهند . از آنجا که  
 همه چیز در حال رشد و دگرگونی است . برای هر موجود میرونده ، ناممکن  
 است که جوانیش را جاودانه حفظ کند . بشر نیز چنین است . این قانون -  
 خدشه ناپذیر طبیعت است که آدمی بتدریج پیر شود و ظاهرش با افزایش

عمر درگرون گردد . اگر جوانان هنگام گزینش شریک زندگیشان ، بی اعتنا به کیفیات سیاسی طرف مقابل ، تنها بدنبال جوانی و زیباییهای ظاهر باشند ، نتیجه الزاماً یک خوشبختی واقعی نخواهد بود . درست نگاه کنید به جوانانی که در آتی ، بر اساس جمال زیبا و عشق در نگاه اول زن و شوهر میشوند بی آنکه توافق بر مبنای عقاید سیاسی همان و تفاهم متقابل را مد نظر قرار داده باشد . ببینید که چگونه در بیشتر موارد ، آنها قادر نیستند در زندگی روزمره ، با هم به خوبی بسر ببرند . مدام در حال مشاجره اند و هر دو شدیداً رنج میبرند . آنها پس از پی بردن به اختلافات عقاید سیاسی شان با هم و درک نقایص رفتار و کیفیات اخلاقی یکدیگر ، زیستن با هم یا جدا شدن از هم را بسیار مشکل می یابند . سپس ، نظری بیندازید به کسانی که پس از بنای احساسات انقلابی راستین خویش بر پایه کار و مبارزه مشترک ، با هم پیوند زناشویی بسته اند . هر چند آنها ممکن است از نظر ظاهر الزاماً خپلی جذاب بنظر نیایند و لسی دارای بنیان سیاسی مشترک و کیفیات اخلاقی خوب هستند . آیا از اینکه آنها در زندگی هر روزه به یکدیگر عشق و احترام میورزند ، بهم پیاری میدهند ، مواظب یکدیگرند و همگام پیش میروند در زندگی زناشوییشان خوشبخت نیستند ؟ این نشان میدهد که خوش بودن یا نبودن زندگی زن و شوهر بوسیله خوب یا بد بودن کیفیات اخلاقی آنها تعیین می شود نه بر حسب زیباییهای ظاهر آنها چرا که زیبایی ظاهریه معنی زیبایی درون نیست . زیبایی راستین و جاودانه را تنها در کیفیات سیاسی احساسات درونی ، افکار درست و زوش خوب انجام دادن امور میتوان یافت و تنها عشقی که بر این بنیاد ساخته شود ، جاودانه سرسبز خواهد ماند .

توجه به کارخانه بخش مهمی از زندگی بین زن و شوهر را تشکیل میدهد . عدم رعایت این بخش از زندگی زناشویی نیز ممکن است هماهنگی و شادکامی ازدواج را تحت تاثیر قرار دهد . با این پیشنهاد که شوهر باید نظری انقلابی برابری نسبت به همسرش داشته باشد آیا منظورمان اینست که زن و شوهر هر دو باید گارهای خانه را به تساوی میان خود تقسیم کنند یا اینکه

شوهر باید بیشتر وقت و کوشش خود را صرف خانه داری و برآوردن دیگر نیازهای زنش بکند؟ نه، منظورمان این نیست. اگر کارهای خانه تنها بدین منوال تقسیم شود آنرا نمیتوان برابری واقعی نامید چرا که پاسخ این سؤال در شکل تقسیم امور خانه نهفته نیست بلکه بیشتر در طرز تلقی شوهر نسبت بزنش، پس از بازگشت از کار روزانه بخانه است. آیا او زنش را بمشابه یک رفیق و شریک انقلابی قلمدار میکند یا یک "برده" و - "خدمتکار" گوش بفرمان که در خانه حضور دارد تا نیازهای او را برآورد؟ آیا شوهر، خانه داری را یک تعهد مشترک زن و شوهر هر دو میدانند یا بصورت "وظایف طبیعی" دوران زندگی یک زن؟ اگر زن و مرد هر دو برداشتهای درستی داشته باشد، آنگاه این مسئله، البته، بدون هیچ مشکلی حل خواهد شد. درست به زوجهای زیادی در اطرافمان نگاه کنیم که پس از بازگشت بخانه، بدون توجه به نوع یا مقدار کارهای خانه یکدیگر را یاری میدهند و آزادانه میگویند و میخندند، با هم کودکانشان را بزرگ میکنند و تعلیم میدهند و خانهشان را منظم نگاه میدارند. گاهی که کار روزانه شوهر سنگین است، زن بدخواه خود، سهم بیشتری از کار خانه را انجام میدهد و بدین ترتیب شوهر کوشش خود را بر بپایان رساندن وظایفش متمرکز خواهد کرد. یا گاهی، زمانیکه زن کسالتی دارد، شوهر نیز به میل خود، کارهای بیشتری را در خانه بمعهده میگیرد و بدین ترتیب زن میتواند استراحت کافی بکند چقدر زندگی این زوجها شادمانه و لذت بخش است! این نشان میدهد که اینکه زن و شوهر زندگی پسر سعادت دارند یا نه بستگی به طرز تلقی رفیقانه انقلابی از یکدیگر داشتن و از طریق اهمیت دادن بهم و یاری رساندن بهم دارد نه به این موضوع که کی از کی اطاعت میکند، چه کسی خواستههای چه کسی را بر میآورد و یا چه کسی بیشتر یا کمتر کارهای روزانه خانه را انجام میدهد.

Alfred Uci

پرفسور آلفرد یوکسی  
استاد دانشگاه تیرانا آلبانی

### دوره پسرخی از جنبه‌های تکامل روابط خانواده

با پیشرفت بیشتر روابط سوسیالیستی در کشورمان، تغییر شکل روابط زناشویی و خانواده نیز ضروری شده است تا بتوان آنرا با ماهیت سوسیالیستی نظم اقتصادی و سیاسی مان با معیارهای اخلاق کمونیستی و اصول ایده-لوزی سوسیالیستی مان منطبق کرد. موضع حزب کار آلبانی و "نیروی خلق" در قبال این مسئله عظیم اجتماعی بر اساس محکم مارکسیسم، لنینسم و آموزشهای با ارزش رفیق انور خوجه پایه‌گذاری شده است. اندیشمندان بورژوا و دشمنان طبقه کارگر دیرزمانی است کوشش داشته و دارند تا نشان دهند که گویا سوسیالیسم و کمونیسم سخت‌کوشانه نسبت به خانواده خصومت می‌ورزند.

کارل مارکس و فردریک انگلس خاطر نشان کرده‌اند که انقلاب پرولتاریا قادر نیست در روابط ازدواج و خانواده حاکم در نظام سرمایه-داری اثر نهد. آنان تاکید کردند که کمونیست‌ها با شکل بورژوائی خانواده و فساد حاصله از آن با آن نوع خانواده که بر اساس سرمایه‌وسود خصوصی بنا شده است و با "فحشای عمومی" در همزیستی بسر میبرد، با ۳ استثمار زنان بوسیله شوهران و فرزندان بوسیله والدین " ( ۵ ) ، مخالفند. اما فردریک انگلس اشاره میکند که، الغای ناگزیر خانواده بورژوازی بمفهوم الغای خانواده بطور کلی نیست. با از میان رفتن مالکیت خصوصی بوسیله انقلاب سوسیالیستی، خانواده یکتا همسر " نه تنها پدید نمیگردد، بلکه برعکس بطور کامل واقعیت می‌یابد. " با تبدیل ابزار تولید به مالکیت اشتراکی، مزدوری و پرولتاریا از میان میروند و در نتیجه از نظر آماری به تعداد قابل محاسبه‌ای از زنان که باید به فروش تنشان بپردازند نیازی نخواهد بود. فحشا نابود میگردد در حالیکه یکتا همسری، بجای



آنکه از بین برود سر انجام برای مردان نیز تبدیل بیک واقعیت میگردد .  
( ۶ )

بالهام از اصول مارکسیست ، لنینیست و آموزشهای رفیق انور خوجه ، حزب ما ، از ابتدای تاسیسش در همان حال که تهمت ها و اتهامات جعلی را مبنی بر اینکه گویا کمونیستهای آلبانی خانواده را متلاشی خواهند کرد ، تکذیب و افشا مینمود ، همچنین نظرات نادرست ، لیبرال ، بورژوا و آنارشویستی را که در میان گروههای کمونیست خصوصا " گروه جوانان کمونیست در مورد خانواده رایج بود نیز مورد انتقاد شدید قرار داد و با این موضع اصولی نشان داد که در راه تحکیم مبانی خانواده آلبانیایی میکوشد .

در دوران جنگ آزادیبخش ملی ، کمونیستهای آلبانی برای حفظ کشور از متجاوزین و محافظت خانواده آلبانی از آلودگی های ضد ملی که بوسیله تبلیغات متجاوزین خارجی منتشر میشد مبارزه می کردند . آنان برای غلبه بر موانع ساختگی از دواجهای قراردادی که از تضادهای آشتی ناپذیر ( آنتاگونیستی ) مذهبی ناشی میشد ، و برای برابری بین زن و شوهر ، شرکت زنان و جوانان در جنگ آزادیبخش و زندگی اجتماعی و سیاسی و غیره مبارزه میکردند .

در پروسه ساختمان سوسیالیسم نیز حزب ما بر رویه مارکسیست ، لنینیست استوار بود . با توجه بر امر تکامل خانواده بعنوان مسئله اجتماعی دارای ، اهمیت تام در مبارزه برای سوسیالیسم رفیق انور خوجه تاکید کرده است که کمونیستهای آلبانی ، از یکسو ، دشمن آشتی ناپذیر تمام روابط استثمار و نابرابری در خانواده هستند که از مالکیت خصوصی و نظم استثمار ریشه میگیرد و از سوی دیگر موافق با پیشرفت و تحکیم خانواده نوین سوسیالیستی هستند که بر اساس روابط انسانی راستین و ایده‌های کمونیستی شکل گرفته باشد . رفیق انور خوجه در سومین نشست عمومی کمیته مرکزی حزب کار آلبانی اظهار داشت که هدف حزب ما آنستکه " به کار ایده‌لورژیکی شدید برای پرورش خانواده آلبانی دست بزند و این ، تنها زمانی میسر است که روابطی درست برابر و آزاد ، همراه با احساسات عالی استقرار یابد و انقیاد و بقایای مالکیت خصوصی و مفاهیم ناشی از آن از بین برود . " ( ۷ )

## ۱- انقلاب سوسیالیستی و تغییر روابط خانوادہ

مارکسیسم خانوادہ را بمثابه بنیانی از مشخصه ای تاریخی می شمارد که با زندگی اجتماعی بستگی نزدیک دارد. دگرگونی در زیربنای اقتصاد و ساختمان اجتماعی و طبقاتی، در نظام سیاسی و حقوقی، در ایده-آل های سیاسی و اخلاقی و غیره همیشه تغییراتی را در انواع خانوادہ ها، در محتوای اجتماعی و عملکردشان بدنبال می آورد.....

## ۲- خانوادہ و ارتقا روابط زناشویی

.....  
 در چهار چوبی که مالکیت خصوصی حاکم است. ازدواج بصورت یک قرار داد تجارتي وجود دارد. انواع مختلف چنین ازدواج هائی نیز در چهار چوب مالکیت خصوصی در کشورها حاکم بود. نامزد کردن کودکان ازدواج زوجهای با اختلاف سن بسیار، خرید و فروش دختران، ازدواج-با جهیزیه و مهریه، انتخاب عروس و داماد بر مبنای موقعیت اقتصادی، درآمد، موقعیت اجتماعی و غیره شایع بودند. اما الغای مالکیت خصوصی و طبقات استثمار کننده و استقرار مالکیت اجتماعی در شهر و روستا ضوابط اقتصادی و اجتماعی برای کاهش این گونه ازدواج ها آفرید و این امکان را بوجود آورد که ازدواج حقوقی بر پایه عشق شہوع یابد. این مشخصه جامعه سوسیالیستی ما است. تجربه کشورها گواهی است بر پیش بینی انگلس مبنی بر اینکه فقط در جامعه سوسیالیستی "نسلی از مردان که در زندگی شان هرگز فرصت نخواهد داشت که زنان شان را با پول و سایر وسائل قدرت دولتی بخرند و نسلی از زنان که هرگز مجبور نخواهند شد به هیچ علتی جز عشق واقعی با شوهران شان پیوند کنند." (۸). تولد می یابند.

.....

### ۳- مناسبات خانوادگی و طلاق

.....  
 زندگی خانوادگی نیز مانند هر چیز دیگر دارای تضاد است. هم سرچشمه شادی و هم سرچشمه کشمکشها و غمها است. این کشمکشها در شرایط معینی زندگی زناشویی را غیر قابل تحمل میسازند. از این رو، همراه شدن آزادی در ازدواج با حق طلاق، طلاق را نیز مجوز قانونی میبخشد. در شرایط مجاز قانونی، حق طلاق نشانه محافظت است که دولت از حق هر فرد نسبت به خوشبختی خانوادگی به عمل میآورد. و ۱۰. لنین نظرات کسانی که حق طلاق را بمثابة منبع تضعیف خانواده می شمارند تاریخنگری نامید. در جامعه سوسیالیستی ما، طلاق شرایط را برای تحکیم خانواده و تکامل برابری بین شوهر و زن تامین میکند.

در شرایط کنونی مبارزه برای آزادی کامل زن، حق طلاق به ویژه برای زنان شایان اهمیت بسیار است. آمارشان میدهد که زنان دارند به این حق آگاهی مییابند. در هفده سال گذشته، موارد طلاق که بوسیله شوهران و زنان به دادگاه عرضه شدند تقریباً برابر بودند. در حدود ۵۳ درصد از تمامی موارد طلاق که بوسیله زنان به دادگاه ارائه شدند، موفق بوده اند. این نشان میدهد که زنان از این حق خود بطور وسیع در کشور ما استفاده می کنند.

اکثریت موارد طلاق در کشور ما بدین دو دلیل عمده صورت میگیرد:  
 عدم توافق های جدی در زندگی زناشویی و بی وفایی .

.....

## ۴- رابطه بین خانواده و جامعه سوسیالیستی

تکامل زناشویی سوسیالیستی و روابط خانوادگی در جامعه ما، مسئله دیگری را به پیش کشیده است که آن رابطه خانواده از یکسو و جامعه، نیروی دولت سوسیالیستی، ایدئولوژی سوسیالیستی از سوی دیگر است. جامعه شناس رویزیونیست بورژوا، بیدلیل میکوشد که نشان دهد خانواده بخاطر مداخله نیروهای بیرونی جامعه، قدرت دولتی و افکار عمومی، تضعیف میشود و بدین ترتیب ادعا میکند که وجهه مقدس خانواده - زندگی محرمانه آن - مورد بی حرمتی قرار میگیرد. آنها بیپرده تقلا میکنند تا نشان دهند که بنیانگزار مارکسیسم با هر گونه دخالت جامعه در زندگی خانوادگی و تکامل آن، مخالف بوده است. در این مورد آنها به یکی از نظریه های انگلس که در "اصول کمونیسم" آورده شده است استناد میکنند که میگوید در کمونیسم "روابط بین دو جنس يك موضوع كاملا" خصوصی است که تنها بدو شخص ذینفع مربوط میشود و نیازی به مداخله جامعه در آن وجود ندارد." (۹) اما جامعه شناسان رویزیونیست و بورژوا این نظریه انگلس را تحریف میکنند و بسد جلوه میدهند.

اول اینکه از زمان پیدایش چنین مقوله اجتماعی بنام خانواده تاکنون جامعه نسبت به آن بی تفاوت باقی نمانده است. هر جامعه ای، هر قدرت دولتی، صرفنظر از نظم اقتصادی یا سیاسی حاکم بر آن، از راه تدوین قوانین برای خانواده، باورهای مذهبی، اخلاق و سایر مفاهیم در جنبه های مختلف خانواده دخالت کرده و آنها را به نظم درآورده است. بنابراین اگر جامعه سوسیالیستی با قدرت دولتی نسبت به تکامل خانواده بی تفاوت باقی نماند، این، تنها مشخصه جامعه سوسیالیستی نیست جامعه ما و دولت ما نمیتواند در امر خانواده که يك رشته عطرکرد- های مهم اجتماعی را در بر میگیرد بی تفاوت باقی بماند.

دوم. ، زمانیکه انگلس مداخله جامعه را در این امر (خانواده) خیر ضروری می شمارد او کمونیسم کامل و بی نقص را در نظر دارد یعنی

مرحله‌ای که در آن نه طبقات و نه قدرت دولتی، نه موازین حقوقی وجود دارد، زمانیکه افراد به چنان مرحله‌ای از تکامل شخصیت رسیده‌اند که معیارهای اخلاق کمونیستی، باورهای ذاتی و مقدس برای آنها خواهد بود. در چنان شرایطی، زمانیکه روابط خانوادگی تحت فرمان اخلاق - کمونیستی قرار دارند، جامعه نیازی نخواهد دید که در مناسبات میان دو جنس مداخله کند. در شرایط سوسیالیستی حاضر نیز، جامعه و دولت ما در خانواده‌هایی که جوهر اصلی آن، با قوانین و اخلاق سوسیالیستی سازگار است دخالتی نمی‌کند. ولی بی‌تردید همه خانواده‌ها بر مبنای آن اصول و موازین رفتار نمی‌کنند. اگر اصول قانونی، اخلاقیات و ایدئولوژی ما مورد بی‌اعتنائی قرار گیرند بترتیبی که به تضییق مبانی خانواده ما منجر شود، افکار عمومی، جامعه و دولت مانعیتواند نسبت به آن بی‌تفاوت باقی بماند بلکه باید برای حفظ آن اصول، دست مداخله بزند. بنابراین، چنان مداخله‌های خود چندان اهمیتی ندارد بلکه مقصود از این مداخله و حدود کار آئی آن شایان اهمیت است.

سوم اینکه در "اصول کمونیسم" انگلس منظورش ضرورت نفوذ جامعه در خانواده (بطور کلی) نیست بلکه تنها، دخالت جامعه را در روابط بین دو جنس مد نظر دارد یعنی دخالت در حق فرد در انتخاب آزادانه جفت دلخواهش، در چنین مفهومی، چنان حق فردی در شرایط سوسیالیسم کاملاً رعایت شده است تا آنجا که قوانین ما، تنها یکتاسا همسری را برسمیت می‌شناسد که طبق قوانین مدنی زناشویی و بر اساس عشق و وجانه تشکیل شده باشد.

اما تشکیل خانواده، بسادگی،، تنها به عمل گزینش جفت تنزل داده نشده است بلکه تمامی مجموعه مناسبات دیگری را نیز در بر میگیرد که نه تنها از لحاظ سرنوشت خانواده بلکه از جهت کل جامعه، دارای اهمیت بسزائی است. بدین منظور خانواده سوسیالیستی، دولت و افکار عمومی موظفند برای کمک به امر برابری زن و شوهر، حفظ منافع کودکان سالخوردهگان و مسائل مشابه دخالت نمایند تا این روابط را با منافع عمومی جامعه هماهنگ سازند.

چهارم آنکه، دولت، زندگی خصوصی افراد خانواده را تحت محافظت

خود قرار میدهد و هرگونه تعدی به ساحت این گونه روابط خانوادگی را ممنوع میسازد. تردیدی نیست که زندگی محرمانه خانواده یکی از سرچشمه های شادمانی برای اعضا خانواده سوسیالیستی محسوب میشود. بنابراین مداخلات متعارفی و فضولیهای اداری در جزئیات زندگی خصوصی خانواده برخلاف کمونیستی و قوانین سوسیالیستی است. آنها موجب انهدام هماهنگی خانواده و منشا درد سرهائی در روابط خانوادگی میشوند. زمان این نوع مداخلات کمتر از رسوم و عادات عقب مانده نیست.

رفیق انور خوجه، تاکید کرده است که مسئله تکامل و تحکیم خانواده - سوسیالیستی ما، بایستی ب مفهوم کامل آن، مورد توجه جامعه ما بدولت، حزب و افکار عمومی قرارگیرد و نباید یک مسئله خصوصی قلمداد شود. مسئله پیروزی اخلاق و اعتقاد سوسیالیستی مادر خانواده، مسئله تضمین برابری حقوق زن و شوهر در خانواده مسئله پرورش نسل جوان و سایر مسائل مشابه دارای اهمیت اجتماعی هستند. خصوصیت خانواده نسبت به جامعه از این مداخله ناشی نمیشود بلکه از آن عقاید ضد سوسیالیستی تاثیر میگیرد که هنوز در میان بسیاری خانواده ها رواج دارد و موجب زیانی بزرگ هم برای جامعه و هم برای افراد چنین خانواده ها میگردد. بنابراین، رفیق انور خوجه تاکید میکند که استحکام بیشتر مبانی خانواده آلبانیائی، از راه مبارزه بی امان علیه هرگونه نفوذ ایده های ضد سوسیالیستی در آن است. رفیق انور خوجه میگوید: "خانواده ما، باید با روان تازه سوسیالیستی جلایابد، این روان، باید اصول سالم ما مانند عشق واقعی، همبستگی، صداقت، قناعت، میهن پرستی و نظایر آنرا که وجوه مشخصه خانواده ما هستند تقویت کرده و آبدیده سازد. ولی از سوی دیگر برای پیروزی این روح، لازم است که اندیشه مالکیت خصوصی و عقیده مبنی بر "مطلقاً خصوصی بودن" مسائل خانوادگی را ریشه کن ساخت و همه آن تظاهرات و افکار ایدئولوژیستی را که در اعماق خانواده در رنگی دیرپای کرده است زدود". (۱۰) سوسیالیسم در کشور ما، مناسبترین زمینه اجتماعی را برای ایجاد پیوندهای استوار و هماهنگی کامل بین خانواده و اجتماع فراهم کرده است.

## توضیحات

- ۱- ۲۳ فوریه مطابق تقویم قدیم روسی برابر با ۸ مارس بود .
- ۲- تاریخ حزب کمونیست ( بلشویک ) اتحاد شوروی ، دوره مختصر .
- ۳- درباره اصلاحات ارضی و نتایج مستقیم آن (سری تحقیقات روستائی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران ) ( ۱ )
- ۴- روزنامه ملی " یومیسه خلق " ، ۱۴ اکتبر ، ۱۹۶۴
- ۵- آثار منتخب ك . مارکس و ف . انگلس ، چاپ آلمانی ، جلد اول صفحه ۳۶
- ۶- آثار منتخب ك . مارکس و ف . انگلس ، چاپ آلبانی ، جلد دوم ، -  
صفحه ۲۱۹
- ۷- انورخوجه " درباره برخی از جنبه های مسائل زن آلبانی " ۱۹۶۷  
صفحه ۲۷۳
- ۸- آثار منتخب ك . مارکس و ف . انگلس ، چاپ آلبانی ، جلد دوم ، -  
صفحه ۲۲۵
- ۹- ك . مارکس و ف . انگلس ، چاپ روسی ، جلد چهارم ، صفحات  
۳۳۶ - ۳۳۷
- ۱۰- انورخوجه ، " درباره برخی از جنبه های مسائل زن آلبانی " صفحه

## زنان و مبارزات رهایی بخش طبقه کارگر

منتشر شد :

لنین درباره مسئله زنان ( ۱ ) : کلارا زتکین

هشتم مارس روز جهانی زنان کارگر

خانواده در جامعه سوسیالیستی ( ۲ )

منتشر می شود :

" حق رای برای زنان " : کلارا زتکین

**"Woman Suffrage"**